

مقدمه

خلق گسترده پول توسط بانک‌های تجاری پیامدهای بسیاری در نظام سرمایه‌داری، که مهد نظام بانکی متعارف است، ایجاد کرده است. از جمله آثار این پدیده می‌توان به بی‌ثباتی اقتصادی (رکود و رونق)، بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش تمایلات تورمی، رشد اجباری، تخریب محیط زیست، استثمار کارگر، فساد فرایند دموکراتیک، افزایش نابرابری و نقض عدالت، محرومیت اجتماعی، ورشکستگی بانک‌ها، تحمیل بیمه سپرده، مخاطره اخلاقی، سرمایه‌گذاری بی‌فایده و حباب دارایی اشاره کرد.

این در حالی است که قریب ۵۰ سال پیش، اندیشمندان مسلمان تلاش کردند تا با حفظ ماهیت بانک و خلق پول در آن، معاملات آن را بر اساس تعالیم اسلام تعریف کنند و بدین‌سان، نوع دیگری از صنعت بانک‌داری به نام «بانک‌داری بدون ربا» یا «بانک‌داری اسلامی» پیشنهاد دادند، امروزه در بیشتر کشورهای اسلامی و حتی برخی از کشورهای غیرمسلمان بانک‌های بدون ربا حضور جدی دارند. حتی در برخی از کشورها، مانند ایران کل نظام بانکی بر اساس بانک‌داری بدون ربا طراحی شده است.

اگرچه ظاهراً روح اصلی همه بانک‌های بدون ربا اشتراک آنها در حذف ربا از عملیات بانکی است، اما این الگوها عمدتاً برگرفته از نظام بانک‌داری متعارفی است که بیشتر نقدینگی توسط آن خلق می‌شود. بیش از هشتاد درصد نقدینگی در اقتصاد توسط بانک‌های تجاری بدون ربایی خلق می‌شود که قرار بوده است در چارچوب قانون بانک‌داری بدون ربا عمل کنند (صمصامی و همکاران، ۱۳۹۳).

خلق پول در سایر الگوهای بانک‌داری بدون ربا ارائه شده توسط محققان مسلمان نیز وجود دارد. البته در برخی از این الگوها، تغییرات بنیادینی در فرایند خلق پول از طریق وضع ذخایر صددرصدی بر سپرده‌های جاری ایجاد شده است. در برخی از الگوها نیز تغییرات محافظه‌کارانه‌ای در قالب بانک‌داری اجتماعی مشاهده می‌شود. در عملیات بانک‌داری اجتماعی، علیرغم وجود امکان خلق پول، سعی شده آثار توزیعی حاصل از عملکرد بانک‌های تجاری جبران شود؛ مثلاً، سود حاصل از خلق پول بانک‌های تجاری به وسیله مقام مالی، تحت عنوان «مالیات» اخذ و در قالب اهداف اجتماعی باز توزیع شود.

مقاله حاضر به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا در طراحی نظام مالی اسلامی، امکان خلق پول توسط نظام بانکی وجود دارد؟ بدین‌منظور، ابتدا استدلال‌های متفکران غربی و

بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی

Samsami@sbu.ac.ir

f.kiaynpour@ihcs.ac.ir

حسین صمصامی / استادیار دانشگاه شهید بهشتی

فرشته کیانپور / کارشناس ارشد اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۴

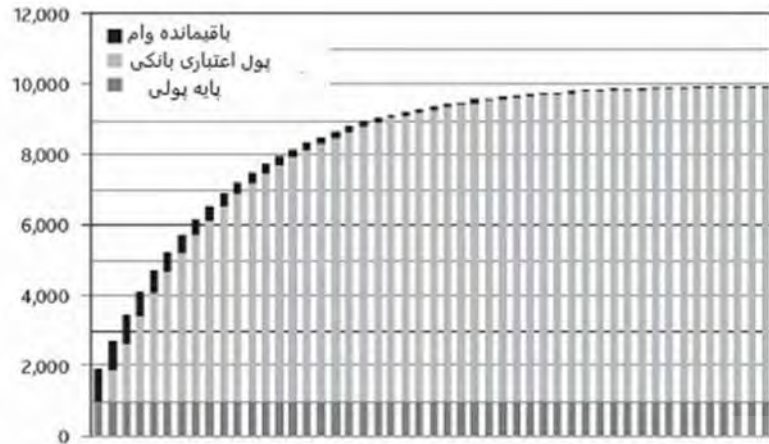
چکیده

یکی از مسائل مطرح در نظام مالی اسلامی بررسی امکان خلق پول توسط نظام بانکی است. بنا به فرضیه مقاله، که به روش تحلیلی بررسی شده، خلق پول در نظام مالی اسلامی مشروع نیست. مطالعات صورت‌گرفته در اقتصاد متعارف و اسلامی حاکی از مشکلات بیشمار خلق پول از جمله بی‌ثباتی اقتصادی - رکود و رونق، بی‌ثباتی در عرضه پول، افزایش تمایلات تورمی، رشد اجباری، تخریب محیط‌زیست، استثمار کارگر، فساد فرایند دموکراتیک، افزایش نابرابری و نقض عدالت، محرومیت اجتماعی، ورشکستگی بانک‌ها، تحمیل بیمه سپرده، مخاطره اخلاقی، سرمایه‌گذاری بی‌فایده و حباب دارایی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش که براساس رویکرد «کل‌گرایانه - غایت‌محور» رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی به دست آمده است، نشان می‌دهد که خلق پول توسط نظام بانکی به «بی‌ثباتی اقتصادی»، «عدم ایفای تعهد» و «اکل مال به باطل» منجر می‌شود. همچنین خلق پول مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «تثبیت قیمت‌ها» می‌شود. از این‌رو، امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: خلق پول، نظام مالی اسلامی، بانک‌داری اسلامی، اقتصاد مالی، بانک تجاری.

طبقه‌بندی JEL: P49, E59, P24, E58

نمودار ۱. روند گام به گام خلق پول بر اساس نظریه ذخیره جزئی (رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۹)



مسئله خلق پول از دیدگاه متفکران غربی

به اعتقاد برخی اندیشمندان غربی مشکل نظام پولی کنونی جهان این است که بانک‌های تجاری دارای امتیاز ناسالم خلق پول به عنوان بدهی و به مقدار زیاد و بهره‌مندی از بهره‌های پرداختی به این بدهی‌ها می‌باشند. در نظر گرفتن این دو موضوع به طور جداگانه، کمک بزرگی برای درک بیشتر این موضوع خواهد کرد.

الف. امتیاز خلق پول به عنوان بدهی

ارتباط پول با بدهی عواقب زیان‌باری برای عده زیادی از مردم و کسب و کارها به وجود می‌آورد، به‌ویژه برای افراد فقیر و کسانی که کسب‌وکار با سود اندک دارند. علاوه بر این، افرادی که این بدهی را ننگ می‌دارند، بهره پرداخت می‌کنند. پول‌های بانکی خلق شده توسط نظام بانکی به طور اجتناب‌ناپذیر به معنای «پول» هستند و به تدریج انباشته می‌شوند. این در حالی است که عده زیادی از مردم به انباشت بیشتر بدهی نیاز دارند؛ زیرا این نظام به اندازه بدهی‌ها پول خلق می‌کند؛ اما بهره‌های آن را تولید نمی‌کند. بنابراین، مردم نیاز بیشتر و بیشتری به بدهی و وام برای پرداخت بهره‌ها خواهند داشت (ادواردز، ۲۰۱۳، ص ۳).

ب. امتیاز جمع‌آوری بهره بازپرداخت بدهی‌ها

منافع بهره در بازپرداخت بدهی‌ها به جای اینکه برای تمام جامعه باشد، تنها برای تعدادی از

اسلامی در رابطه با مشکلات خلق پول نظام بانکی را به روش تحلیلی - توصیفی بررسی می‌نماییم. در ادامه، این استدلال‌ها را بر اساس رویکرد «کل‌گرایانه-غایت‌محور» رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی واکاوی می‌کنیم.

مبانی نظری خلق پول در نظام بانکداری متعارف با استفاده از نظریه «ذخیره جزئی»

برای توضیح فرایند خلق پول در نظام بانکداری متعارف، با استفاده از نظریه «ذخیره جزئی» از الگوی بسیار ساده‌ای به قرار ذیل استفاده می‌کنیم:

یکی از سپرده‌گذاران عمومی حقوق ۱۰۰۰ پوندی خود را از بانک A دریافت می‌کند. بانک می‌داند که مشتری به طور متوسط، کل پول را نیاز ندارد و قسمتی از آن، در طول زمان بازگشت داده می‌شود. این احتمال وجود دارد که به طور متوسط، ۳۰ پوند در طول یک ماه مصرف شود. در نتیجه این فرض، بسیاری از پول‌های سپرده‌گذاری شده در بانک بی‌استفاده باقی می‌ماند و بانک هر روز، به آنها نیازی ندارد. بانک موظف است ۱۰ درصد پول (۱۰۰ پوند) را به عنوان ذخیره نگه دارد و ۹۰۰ پوند باقی‌مانده را به کسی که نیاز دارد، وام دهد.

در حال حاضر، هر دو سپرده‌گذار اصلی و وام‌گیرنده جدید فکر می‌کنند که در حساب بانکی خود پول دارند. سپرده اصلی ۱۰۰۰ پوندی در بانک به ۱۹۰۰ پوند سپرده تبدیل شده که شامل ۱۰۰۰ پوند سپرده اصلی است؛ ۹۰۰ پوند آن نیز به عنوان وام به قرض‌گیرنده داده شده است. این ۹۰۰ پوند در اقتصاد به کار گرفته می‌شود (با آن خرید و یا کسب و کاری انجام می‌گیرید) و پول بانکی دوباره در بانک B دریافت می‌شود. بانک B، ۹۰ پوند آن را به عنوان ذخیره نگه می‌دارد، و ۸۱۰ پوند آن را وام می‌دهد. ۸۱۰ پوند دوباره مصرف می‌شود و مجدداً در بانک C انباشته می‌شود. در این زمان، ۸۱ پوند آن به عنوان ذخیره نگه داشته می‌شود، و ۷۲۹ پوند آن دوباره وام داده می‌شود. این روند همچنان ادامه یافته و در نتیجه مجموع ترازنامه تمام حساب‌های بانکی مردم افزایش می‌یابد. این بدان معنا است که در واقع، پول جدید یا قدرت خرید ایجاد شده است. این فرایند با مقداری از وام، که در هر مرحله کاهش می‌یابد، ادامه پیدا می‌کند. تابعی از ۲۰۴ مرحله از این فرایند، کل سپرده‌های بانکی مردم را به ۱۰۰۰۰۰ پوند می‌رساند. نمودار (۱) روند گام به گام وام‌دهی افزایشی را نمایش می‌دهد و پول جدید به عنوان یک نتیجه ایجاد می‌شود» (رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱، ص ۱۸-۱۹).

بانک‌هاست، درحالی‌که هیچ استدلال منطقی وجود ندارد که اثبات کند حق ایجاد پول و جمع‌آوری بهره آن به بانک‌ها اختصاص دارد.

در نهایت، ترکیب این عوامل نظام‌مند - امتیاز ایجاد پول به عنوان بدهی و به میزان بسیار و جمع‌آوری بهره‌های بازپرداخت بدهی‌ها - نشان‌دهنده آن است که هرگز پرداخت‌های اقتصاد بازپرداخت نمی‌شود. اگر بیشتر بدهی‌ها بازپرداخت شوند، بیشتر پول‌ها (۹۷٪) که به عنوان بدهی در انگلیس ایجاد شده‌اند) از بین می‌روند و اقتصاد از هم فرو می‌پاشد. این قفل اقتصاد کشور در اعتیاد بیشتر وابسته به بدهی است؛ زیرا بازپرداخت بهره بدهی قبلی منجر به فروپاشی مالی - که اجتناب‌ناپذیر است - می‌شود و روی آن چرخه قبلی چرخه دیگری شروع می‌شود و این رویه (پی در پی) ادامه می‌یابد (همان).

خلق پول توسط نظام بانکی از دیدگاه متفکران غربی مشکلات بنیادین برای اقتصاد و جامعه به همراه دارد که در ادامه ذکر می‌شود:

۱. **بی‌ثباتی اقتصادی (رونق و رکود):** اقتصاددانان زیادی پس از بررسی چرخه‌های تجاری و روند افزایش و کاهش در خلق اعتبار و عرضه پول، دریافته‌اند که خلق پول توسط بانک‌های تجاری از عوامل اصلی چرخه‌های تجاری و بی‌ثباتی اقتصادی (رکود و رونق) محسوب می‌شود. در زمان رکود اقتصادی، محدود شدن خلق اعتبار، عرضه پول را کاهش داده است، درحالی‌که (در همان زمان، اگر افزایش خلق اعتبار می‌داشتیم) قادر بودیم اثرات رکود را کاهش دهیم (ون دیکس هورن، ۲۰۱۳؛ رک: فیشر، ۱۹۳۶؛ فیلیپس، ۱۹۹۴؛ فریدمن، ۱۹۵۹؛ جک سون و دی‌سون، ۲۰۱۲؛ ادواردز، ۲۰۱۳؛ هوبر و رابرتسون، ۲۰۱۴).

۲. **بی‌ثباتی در عرضه پول:** بانک‌های تجاری در چارچوب سازوکار خلق اعتبار، پول خلق کرده و به عنوان یکی از عوامل تغییر حجم پول محسوب می‌شوند. از این رو، این بانک‌ها کنترل مؤثری بر عرضه پول اعمال می‌کنند (رک: رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱؛ فیلیپس، ۱۹۹۴؛ جک سون و دی‌سون، ۲۰۱۲؛ فیشر، ۱۹۳۶).

۳. **افزایش تمایلات تورمی و حباب‌داری:** بانک مرکزی و بانک‌های تجاری به اتفاق هم با خلق پول و به گردش درآوردن آن، موجب سلسله حباب‌های دارایی می‌شوند که ردپای آن بیش از ۳۰۰ سال است که در جهان غرب مشاهده می‌شود. از هنگامی که پول جدید خلق شده است، بر روی دارایی‌هایی مانند املاک و سهام صرف می‌شود و در نتیجه قیمت‌ها افزایش می‌یابند. در مقابل، هنگامی که وام‌ها بازپرداخت می‌شوند، خریداران از

بازار ناپدید می‌گردند و قیمت‌ها شروع به کاهش می‌یابند (رک: رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱؛ ورنر، ۲۰۱۴، ۲۰۰۵؛ رون، ۲۰۱۵).

۴. **رشد اجباری و تخریب محیط‌زیست:** برخی طرفداران اصلاحات پولی بر ناسازگاری خلق پول بانکی و توسعه پایدار زیست‌محیطی استدلال می‌کنند. به نظر آن‌ها، زمانی که تقریباً تمام پول‌های در گردش محصول وام دارای بهره است، تولید کالاها و خدمات می‌باید با رشد بیشتری افزایش یابد تا بهره‌های بدهی‌ها پرداخت شود. این امر منجر به ایجاد سطوح بالای استفاده از منابع و آلودگی گسترده محیط‌زیست می‌گردد. نوآوری‌های فناورانه تاحدی این روند را با افزایش بهره‌وری سهولت می‌بخشد. با این حال، در طول زمان، خلق پول بانکی بسیار بیش از افزایش بهره‌وری است که بتواند از تخریب محیط‌زیست جلوگیری کند. این امر بر ارتباط بین خلق پول و محیط‌زیست دلالت می‌کند. از این رو، خلق پول به عنوان بدهی، یک عامل توسعه ناپایدار است که باید از بین برود. (رک: ادواردز، ۲۰۱۳؛ کورتن، ۲۰۱۰؛ هوبر و رابرتسون، ۲۰۱۴).

۵. **افزایش نابرابری و نقض عدالت:** بر مبنای اصلی رایج، ارزش منابع رایج باید بین همه شهروندان به اشتراک گذاشته شود و نباید به نهادهای خصوصی واگذار گردد. این بدان معناست که ارزش پولی که به وسیله فعالیت‌ها و تقاضاهای بزرگ جامعه یا فرایندهای طبیعت ایجاد می‌شود، باید یک منبع عمومی باشد. این در حالی است که ارزش پولی کسب و کار و سرمایه‌گذاری افراد به عنوان درآمد و سود بازرگانی، امری مشروع و محترم است. اما این اصل به وضوح بر پول‌های جدیدی که خلق می‌شود و به عنوان پول‌های رسمی به گردش درمی‌آید و مطابق نیازهای اقتصاد و اهداف سیاست پولی است، صدق نمی‌کند.

اجازه دادن به بانک‌ها برای خلق پول جدید از هیچ، آنها را قادر می‌سازد که سود ویژه‌ای به دست آورند. بانک‌ها پول را با بهره بالا به مشتریان خود وام می‌دهند، بدون اینکه خود بهره‌ای بپردازند. این سودی است که از این کار به دست می‌آورند. برای مثال، بانک وامی با سود ۹ درصد می‌دهد، درحالی‌که سود ۴ درصد به مشتریان خود می‌پردازد. تفاوت این سودها - ۵ درصد - سود ویژه‌ای است که بانک‌ها به دست می‌آورند. این سود ویژه اضافی تا حدی از مشتریان بانک‌ها پنهان مانده است. مردم نمی‌دانند این ساختار چگونه کار می‌کند و ترازنامه‌های بانک این (سود ویژه) را نشان نمی‌دهد (رک: جک‌سون و دی‌سون، ۲۰۱۲، ص ۴۱-۴۲؛ ادواردز، ۲۰۱۳؛ رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱).

ناخواسته‌ای همچون ریسک سرمایه‌گذاری، و ریسک فعالیت بانکی کمک می‌کند. نتیجه ریسک‌پذیری بیشتر، افزایش احتمال وقوع بحران‌های بانکی همچون بحران بانک‌های اسکاندیناوی در اوایل دهه ۹۰ و بحران بانکی در آمریکا، در خلال دهه ۹۰ است (شی و استین بک، ۲۰۰۰، ص ۱).

امروزه به خاطر بیمه سپرده‌ها، امنیت آنها تأمین می‌شود. از سوی دیگر، با محاسبه دقیق، می‌توان میزان نقدینگی لازم برای پاسخ‌گویی به مراجعان را تخمین زد. همچنین بانک می‌تواند با افراط نکردن در وام‌دهی، مقداری پول نزد خود نگه دارد و در مواقع بحرانی نیز از بانک مرکزی کمک بگیرد. این ضمانت‌های متعدد و مداخله دولت در بخش مالی، ارتباط بخش عمومی و بانک‌های خصوصی را از شکل طبیعی خود دور کرده است. افزایش منافع بانک‌ها، منجر به بزرگ شدن مؤسسه‌های خصوصی و ورشکست شدن آنها می‌شود. مؤسسات مالی درحالی‌که منافع خودشان را حفظ می‌کنند، بخشی از هزینه‌های خود - ریسک‌ها - را به بخش خصوصی منتقل می‌کنند (دیکس‌هون، ۲۰۱۳).

بانک‌ها (با حمایت بیمه سپرده و مداخله‌های متعدد دولت) به خاطر سود سهام‌داران و منافع حداکثری خود، برای به دست آوردن سود بیشتر در فعالیت‌های پرریسک و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در حقیقت، بانک‌ها تصمیم می‌گیرند که چه مقدار اعتبار تخصیص دهند و انگیزه بیشترشان به نفع وام‌گیرندگان وثیقه‌دار و افراد با درآمد بالاست. در نتیجه، وام‌دهی و ایجاد پول‌های جدید به جای اینکه در سرمایه‌گذاری پایدار صرف شود، به سوی کسب و کارهای کوچک تولیدی، املاک و سفته‌بازی هدایت می‌شود که عواقب زیان‌باری برای جامعه دارد (رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱؛ دیکس‌هون، ۲۰۱۳).

بانک‌داری مصداقی از فعالیت‌های چنان بزرگ و دارای آثار جانبی وسیع است که به ناچار باید از ورشکستگی آن جلوگیری کرد. این بدان معنا است که منافع خلق پول در حالی متعلق به بانک و در مرحله بعد دریافت‌کننده اعتبار است که زیان‌های بالقوه آن متوجه مالیات‌دهندگان (عموم مردم) است. بانک‌ها برای کاهش ریسک، تمایل دارند وام‌های خود را به دارایی‌های مالی یا حقیقی، به‌ویژه مستغلات، اختصاص دهند؛ چرا که در این نوع وام‌ها، یک دارایی ملموس وجود دارد که در صورت نکول، قابل پس‌گیری است (ورنر و همکاران، ۲۰۱۱). این در حالی است که سرمایه‌گذاری در تولید محصولات جدید مستلزم

۶. **محرومیت اجتماعی:** روباتام ۱۹۹۸، آرمسترانگ ۱۹۹۶ و کندی ۱۹۹۵ استدلال می‌کنند که خلق پول در بانک‌های تجاری با بهره همراه است و این اثرات مخرب اجتماعی بر جای می‌گذارد. یکی دیگر از استدلال‌ها به طور خلاصه، این است که خلق پول‌های جدید با ایجاد بدهی بیشتر در جامعه همراه است. بدین‌روی، بدهکارها نقش قابل‌توجهی در ایجاد فقر و انتقال ثروت از فقیر به غنی و به کشورهای ثروتمند بر عهده دارد. همچنین خلق پول‌های جدید و تطبیق آن با نتیجه مقدار بدهی در قیمت همه کالاها و خدمات به طور قابل توجهی بیش از مقدار پول لازم برای تولید و بازتوزیع این کالاها و خدمات است. در نتیجه، نظام بانکی کنونی، هزینه‌های اضافی در قالب پرداخت بهره برای افراد ایجاد می‌نماید. پرداخت این هزینه‌های اضافی توسط افراد فقیر نسبتاً سخت‌تر از افراد ثروتمند است. بنا به استدلال رابرتسون (۲۰۰۵) خلق پول توسط بانک‌ها، موجب انتقال ثروت از فقرا به ثروتمندان و در نتیجه افزایش محرومیت اجتماعی و بی‌عدالتی شده است (هویر و رابرتسون، ۲۰۰۹، ص ۳۱).

۷. **نقض آزادی اقتصادی واقعی و سلطه بانک‌ها بر صنعت:** سود ویژه بانکی از قبل تعیین شده توسط بانک‌ها و سطح بالای بدهی عمومی، اثر منفی قابل ملاحظه‌ای بر اقتصاد واقعی می‌گذارد. به نظر ریچارد دویت وایت (۱۹۹۵)، بانک‌ها راه توسعه اقتصاد را بسته‌اند؛ زیرا وام‌ها به خاطر کسب بهره و متناسب با معیارهایی است که نفع ثروتمندان و افرادی را در پی دارد که وثیقه قابل توجهی دارند. در نتیجه، در نظام پولی کنونی پول‌های خلق‌شده به نفع اقتصادهای قوی است و با تبعیض علیه شرکت‌های کوچک و افراد فقیر، به وام‌گیرندگان بزرگ‌تر پرداخت می‌شود (هویر و رابرتسون، ۲۰۱۴). همچنین سلطه بانک بر صنعت یکی دیگر از آسیب‌های در اختیار داشتن قدرت خلق پول در مؤسسه‌های خصوصی است (رک: فیشر، ۱۹۳۶؛ فیلیس، ۱۹۹۴).

۸. **ورشکستگی بانک‌ها، تحمیل بیمه سپرده، مخاطره اخلاقی، و سرمایه‌گذاری بی‌فایده:** در نظام ذخیره جزئی، اگر تمام سپرده‌گذاران برای دریافت پول خود به بانک مراجعه کنند، بانک‌ها نمی‌توانند تمام مطالبات را برآورده سازند. بدین‌روی، بانک‌ها ورشکسته خواهند شد. وام‌دهی و خلق پول به وسیله بانک‌ها به پرورش یک چرخه انفجاری و در نهایت، افزایش نرخ ورشکستگی بانک‌ها منجر می‌شود (اسپونگ، ۱۹۹۳). علاوه بر این، بهره‌مندی رایگان از سپرده مشتریان بانک در عمل، به ریسک‌پذیری بیشتر بانک‌ها و پذیرش ریسک‌های

انتظار بانک برای به وجود آمدن یک جریان سودآور ناشی از تولید محصولی باشد که اکنون وجود ندارد. شواهد تاریخی حاکی از آن است که بانک‌ها برای بیشینه کردن سود کوتاه‌مدت خود، به خلق اعتبار برای بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه علاقه دارند (رایان کالینز و همکاران، ۲۰۱۱).

۹. **فساد فرایند دموکراتیک:** خلق پول به شکل خطرناکی نظام سیاسی و دموکراتیک را تضعیف می‌کند. بنا به اطلاعات مطرح شده در کمپین سازمان اصلاحات پولی (پول مثبت)، سی تا چهل نفر از اعضای هیأت مدیره بانک‌های تجاری بزرگ انگلیس نفوذ مالی زیادی در اقتصاد مالی این کشور دارند. دلیل این امر آن است که «قدرت خرج» بانک‌های تجاری وابسته به دولت است. حدود پنج سال پیش از شروع بحران مالی، بخش بانکی به گونه‌ای فاحش ۲/۹ تریلیون پوند به خانواده‌ها و افراد (به غیر از وام‌های کسب و کار کوچک) وام داد. در همان زمان، هزینه‌های دولت کمتر از ۲/۱ تریلیون پوند بود. از آن‌رو که بانک‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند وام دهند... آنها می‌توانند مقدار زیادی هزینه و فعالیت در اقتصاد داشته باشند (همان، ص ۱۶۷).

بانک‌های تجاری با وام‌دهی، اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در سال‌های اخیر، ۱/۷۵۰ میلیارد پوند وام و در نتیجه، پول ایجاد شده که به سوی املاک و سفته‌بازی مالی روانه شده و فقط ۴۰۰ بیلیون پوند به سمت تولید اقتصادی هدایت شده است. اعضای هیأت مدیره بانک‌ها به خاطر حفظ سود سهام‌داران خود و انگیزه‌های خویش برای حداکثر کردن سود، وام می‌دهند که در جهت تأمین نیازهای واقعی اقتصاد نیست.

این ساختار به نظام سیاسی آسیب می‌رساند؛ زیرا سودهای بانک‌های تجاری تا حدی برای حفظ امتیازات بانک‌داران است که معمولاً مشغول ... تبلیغات بزرگ، تلاش در لابی‌های پشت صحنه، و حمایت‌های هوشمندانه می‌باشند. به همین خاطر، بانک‌داری دومین حرفه پرسود برای سیاست‌مداران سابق است (ادواردز، ۲۰۱۳، ص ۴-۵).

مسئله خلق پول از دیدگاه متفکران مسلمان

در زمینه جواز یا عدم جواز خلق پول در نظام بانک‌داری بدون ربا و بانک‌داری اسلامی، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

تحقیقات اولیه در این زمینه، به مطالعه شهید صدر (۱۴۲۹ق) برمی‌گردد. ایشان در رابطه با خلق پول توسط نظام بانکی، بر این عقیده است که «جایز نیست ذمه و عهده دیگری نسبت به

مالی از طریق قرض، بدون تحویل حقیقی آن مال، مشغول گردد؛ زیرا قبض، شرط در عقد قرض است. از این‌رو، تمام پول‌های کاغذی، که زائیده فکر سرمایه‌داری اروپایی بوده و در آن فرصت طلایی ایجاد شده است تا رشد مال به صورت رشد سرمایه‌داری صرف بدون انجام هرگونه کاری صورت گیرد، باطل می‌گردد. این همان چیزی است که سرمایه‌داری بدان پی برد. این نظام می‌تواند تعهداتی به ارزش ده برابر آنچه از دارایی‌های حقیقی نزد اوست، ایجاد کند و به واسطه آن، قرض‌های دیگران را معادل ارزش تعهد شده در آن کاغذها پوشش دهد. تا زمانی که طلبکاران در یک زمان وجوهشان را مطالبه نمی‌کنند، بستانکار ترجیح می‌دهد به جای برداشت دارایی حقیقی از صندوق سرمایه‌دار یا بانک سرمایه‌گذاری، با همان پول‌های کاغذی به دادوستد بپردازد. این گونه بود که ثروت سرمایه‌داری بدون کار، بر مبنای لغو قبض در عقد قرض، چندین برابر شد (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۴۷).

مؤلف قحف (۱۳۷۶)، معتقدست بانک‌های تجاری بسته به قدرت عمومی و ثبات اقتصادی و اطمینان عمومی به نظام، می‌توانند تنها سپرده‌های دیداری ایجاد کنند. این فعالیت باید توسط دولت و نه بخش خصوصی اداره شود؛ زیرا بانک‌ها واقعاً چیزی را می‌فروشند که مالک آن نیستند. علاوه بر این، اصل متداول در فقه اسلامی این است هر چیزی منافع توده‌ها را دربر دارد نباید در دست عده محدودی قرار گیرد. وقتی نتوان این منفعت را به سبب ماهیتش در اختیار عموم قرار داد، بجاست مختص دولت باشد. این اصل مبتنی بر فرمایشی از پیامبر اکرم ﷺ است. بنابراین، بانک‌های تجاری مجاز به خلق پول نیستند و این فعالیت در انحصار دولت است (قحف، ۱۳۷۶، ص ۸۹).

الجزیحی (۱۹۸۳) سه پیامد مهم خلق پول شامل «بی‌ثباتی ذاتی»، «هزینه‌های تولید توازن واقعی» و «تخصیص اثرات توزیع مجدد ثروت» را برای حکم دادن به بانک‌داری با ذخیره صد درصدی در مورد سپرده‌های دیداری را کافی می‌داند.

چاپرا اقدام بانک‌های تجاری به خلق سپرده‌ها در نظام اسلامی را به الف) شرط اتخاذ تدابیر مناسب برای تضمین خلق سپرده‌های مشتق شده مطابق نیازهای اقتصاد مالی غیرتورمی و ب) اختصاص سود حاصل از سپرده‌های مشتق شده به کل جامعه و نه افراد صاحب نفوذ می‌پذیرد (چاپرا، ۱۴۰۱ق، ص ۲۱۱-۲۱۲).

خان (۱۹۸۷) در رابطه با سپرده‌های دیداری به صد درصد اندوخته قانونی قایل است. از نظر او، چون سپرده‌های سرمایه‌گذاری منابع سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند، دلیلی برای وضع ذخیره قانونی بر آنها وجود ندارد.

به نظر ترکمانی (۱۹۸۸)، تنها سپرده‌های دیداری می‌توانند با ایجاد نقدینگی مشکلاتی را برای اقتصاد جامعه ایجاد کنند. این سپرده‌ها به سبب محدودیت‌هایی که در اسلام برای نگهداری آنها وضع شده، رقم قابل توجهی از میزان سپرده‌ها را به خود اختصاص نمی‌دهند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز به منظور به‌کارگیری در فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از سود به بانک‌ها واگذار می‌شوند و سپرده‌گذاران غالباً پس از اتمام دوره مالی، می‌توانند سپرده‌های خود را از بانک دریافت کنند. بنابراین، نیازی به ذخیره قانونی وجود ندارد (ترکمانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۰-۲۷۳).

نجات‌الله صدیقی (۱۹۹۲) اظهار می‌دارد که خلق پول در بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متداول، ارتباط نزدیک‌تری با خلق ثروت اضافی در بخش اقتصاد واقعی دارد. در نتیجه، گسترش عرضه پول نسبت به حالت متداول، که ناشی از وام‌دهی بلندمدت و پس‌انداز است، کمتر خواهد بود. در نتیجه، بانک‌های اسلامی نسبت به حالت متداول، باید ذخیره قانونی کمتری در بانک مرکزی نگه دارند (صدیقی، ۱۹۹۲، ص ۳۶).

توتونچیان (۱۳۷۹)، معتقد است که در نظام اسلامی، چون بانک وسیله پدید آوردن سرمایه نه پول است، نیازی به ذخیره قانونی نیست و تورم نیز وجود نخواهد داشت (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص ۳۶۸)؛ زیرا افزایش حجم پول از طریق افزایش سپرده‌ها در این نظام، همواره به افزایش سرمایه تبدیل می‌شود که نه تنها عاملی منفی نیست، بلکه سازنده و مفید است (توتونچیان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۸).

الغریب از خلق پول در نظام بانکی دفاع کرده و دیدگاه مدافعان لزوم نگهداری ذخیره ۱۰۰ درصدی برای سپرده‌های دیداری را نقد می‌کند. به نظر او، عدم وضع ذخیره صددرصدی برای سپرده‌های جاری، حتی در مورد بانک‌های خصوصی، موجب اخلال در توزیع عادلانه درآمد و ثروت نمی‌شود؛ چراکه در این حالت، سودهای کلان و غیرطبیعی نصیب بانک‌داران نخواهد شد. به نظر او، نظام متعارف با عدالت و ثبات اقتصادی سازگار است، ولی با هدف رشد و توسعه اقتصادی چندان سازگار نیست (غریب، ۱۴۱۷ق، ص ۹۹).

انور، خلق پول توسط نظام بانکی را خوردن مال مردم می‌داند و اظهار می‌دارد: خلق پول در تضاد با دستوری است که در قرآن مکرر آمده است: «اموال مردم را به شیوه نادرست نخورید» (بقره: ۱۸۸؛ نساء: ۲۹). وی دو پیامد مهم این روش را به شرح ذیل بیان می‌دارد:

۱. بانک‌ها مالکیت ثروت را به صورت حق‌الضرب به دست می‌آورند، بدون آنکه معادل آن در برابرش تفویض شود.

۲. خلق پول باعث افزایش عرضه پول، و در نتیجه افزایش تورم و ویرانی جامعه می‌شود (انور، ۲۰۰۰، ص ۱۳).

انور ناتوانی بانک‌ها در پاسخ‌گویی به درخواست مشتریان در هنگام هجوم بانکی را مانع انجام دستورات خدا در مورد بازگرداندن امانت می‌داند؛ مانند: «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آنها رد کنید» (نساء: ۵۸) و «آگاهانه به امانت‌هایی که به شما سپرده شده است، خیانت نکنید» (انفال: ۲۸) (انور، ۲۰۰۰، ص ۱۲-۱۴).

رفیق یونس مصری می‌گوید: «عالمان تأکید کرده‌اند که پول، چه خالص باشد و چه مغشوش، چه طلا باشد و چه نقره و چه غیرطلا و غیرنقره، ضرب آن از وظایف حکومت است و انجام آن توسط غیر امام جایز نیست؛ زیرا افزایش یا کاهش عرضه پول، دارای آثار مهمی بر کل اقتصاد است. از این رو، این امر با مصالح عمومی ارتباط دارد، و در اسلام، دولت حافظ مصالح عمومی است. بانک‌ها و همچنین یکایک مردم به فکر منافع خود هستند و مصالح عمومی را رعایت نمی‌کنند. از سوی دیگر، برای جلوگیری از دخالت بانک‌ها و مردم در عرضه پول، هیچ راهی جز الزام به نگهداری صد درصد ذخایر قانونی به نظر نمی‌رسد (یونس مصری، ۱۴۲۱ق، ص ۱۸۷).

میرا، در کتاب **دینار طلای اسلامی**، نقش خلق پول توسط نظام بانکی را در چرخه‌های کسب و کار تبیین می‌کند. به گفته وی، این کار غیرقابل اجتناب است و از ویژگی‌های بسیار قدرتمند و اساساً مخرب معاصر دستگاه پولی است که حتی در بانک‌های اسلامی و نهادهای مالی هم وجود دارد (میرا، ۲۰۰۲، ص ۴۴-۴۵).

شکسپیر بیان می‌کند که امروزه پول به وسیله سیستم بانکی از هیچ خلق می‌شود. در نتیجه، نظام بانکی، حق ویژه جامعه برای خلق پول و وضع مالیات را غضب نموده است (شکسپیر، ۲۰۰۷، ص ۲۵۳-۲۵۵). همچنین وی تخصیص منابع خلق پول به بخش غیرتولیدی و نیز دو برابر یا حتی بیشتر شدن هزینه طرح سرمایه‌بر را به سبب بهره‌های خلق پول مانع اصلی رشد اقتصادی می‌داند (همان، ص ۲۵۵-۲۵۶).

حسن (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱) سازوکار کنونی خلق پول بانکی را از حیث معیار عدالت و تخصیص به بخش‌های سوداگرانه محل اشکال می‌داند. وی هرچند فرایند خلق پول را بخاطر

نیازمندی‌های اقتصادی جامعه ضروری می‌داند؛ ولی این فرایند را نیازمند قاعده‌گذاری و کنترل از حیث اندازه (درجه خلق پول) و جهت‌گیری (مقصد منابع خلق‌شده) و نسبت نفع‌بری بانک و جامعه می‌داند.

سانی و همکارانش (۲۰۱۲) بانک‌داری ذخیره جزئی را نقص‌کننده اصول مقاصد الشریعه می‌دانند؛ زیرا:

۱. شریعت از ثروت و رفاه جامعه به طور عام حمایت می‌کند، حال آنکه در بانک‌داری ذخیره جزئی، منافع فرایند خلق پول نصیب عده‌ای معدود (بانک‌داران و افراد دارای دسترسی به منابع بانکی) می‌شود و عموم مردم از آن بی‌بهره‌اند یا متضرر می‌گردند؛ زیرا با خلق پول جدید، بخشی از ارزش آن برای دارندگان قبلی از بین می‌رود.
۲. در شریعت، جهت‌گیری جابه‌جایی ثروت باید از ثروت‌مندان به فقرا باشد، و حال آنکه سازوکار، خلق پول بانکی، ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند. خلق پول و تورم ناشی از آن به مثابه یک مالیات و به عنوان سازوکاری برای انباشت و تمرکز ثروت عمل می‌کند.
۳. وام‌دادن سپرده‌های مردم بدون اذن و رضایت آنها نقض اصل «عدالت و انصاف» است که اخلاقاً مردود و با شریعت ناسازگار است.

مک‌کوناچی (۲۰۱۳) معتقدست که اگر پول به عنوان بدهی - چیزی که بازپرداخت گردد - خلق نشود، دیگر بهره‌ای روی آن وضع نمی‌شود. از دیدگاه وی، مشکلات خلق پول، سوق یافتن کارکرد عمومی خلق پول توسط بانک‌ها به فعالیت‌های سوداگرانه و نیز نقش مهم این عملیات در بروز نوسانات و حباب‌های قیمتی و چرخه‌های تجاری است.

صمصامی و همکاران (۱۳۹۳) با رویکردی جدید، هزینه‌های خلق پول در نظام بانک‌داری متعارف و راه‌کار تأمین مالی اسلامی را بررسی کردند. به نظر آنها عملکرد بانک‌داری متعارف با ساختار ذخیره جزئی موجب خلق گسترده پول در اقتصاد می‌شود که منجر به افزایش هزینه اجتماعی و بی‌ثباتی در اقتصاد می‌گردد.

ارزیابی خلق پول در نظام مالی اسلامی

برای بررسی و ارزیابی نهایی امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، و تحلیل استدلال‌های متفکران غربی و متفکران اسلامی در مخالفت با سازوکار کنونی خلق پول نظام

بانکی، از رویکرد «کل‌گرایانه - غایت‌محور» استفاده می‌کنیم. بر اساس این رویکرد، خلق پول هنگامی مجاز است که علاوه بر ناسازگار نبودن با ضوابط شرعی، اهداف و مقاصد نظام مالی اسلامی را نیز تأمین نماید. بدین‌روی، دو دسته استدلال متفاوت در مخالفت با امکان خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی، که مبتنی بر رویکرد «کل‌گرایانه-غایت‌محور» رایج در مطالعات اقتصاد اسلامی است، در ادامه ارائه می‌شود:

الف. ناسازگاری با ضوابط شرعی

ماهیت خلق پول توسط نظام بانکی موجب نقض ضوابط شرعی و تحقق مشکلاتی همچون «عدم ایفای تعهد» و «اکل مال به باطل» می‌شود که در ادامه، هریک توضیح داده می‌شود:

۱. عدم ایفای تعهد: خداوند در قرآن کریم، در آیه ۹۱ سوره نحل، و در آیه یک سوره مائده، مسلمانان را به وفای به عهد فرامی‌خواند. همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «المؤمنون عند شروطهم» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۳۷۱). نظام بانکی از طریق صدور وعده‌های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی به خلق پول اقدام می‌کند. اگر تمام افراد برای دریافت سپرده‌های خود به بانک‌ها هجوم آورند - شبیه آنچه در دوران رکود، در برخی از کشورها صورت گرفت و یا به صورت محدود در برخی مؤسسه‌های مالی کشور ما صورت گرفته است - بی‌شک نظام، بانکی قادر به عمل به تعهدات خود نخواهد بود. حمایت‌های گوناگونی از سوی دولت برای جلوگیری از این رخداد شبیه «بیمه سپرده» و وام‌دهنده نهایی مطرح شده است؛ اما به روشنی «بیمه سپرده» با افزایش احتمال بروز بحران بانکی در تعداد زیادی از کشورها همراه است^۱ (دمیرگاس کانت و تراجیچ، ۲۰۰۲). از این‌رو، با این‌همه حمایت، هنوز هم امکان خلف وعده وجود دارد.

۲. اکل مال به باطل: استعمال لفظ «باطل» پس از عبارت «اکل مال» در چهار آیه از قرآن کریم آمده است (نساء: ۲۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱؛ بقره: ۱۸۸؛ توبه: ۳۴). اکل مال به باطل از نظر قرآن، سنت و فقه اسلامی حرام است. حرمت اکل مال به باطل به عنوان یک ضابطه عمومی، در تمام عرصه‌های مالی جریان دارد. طبق این قانون، هرگونه تصرف در اموال مردم به وجه باطل حرام است. بنابراین، هرگونه تقلب، غش، دزدی، رشوه، زورگیری و امثال آن و نیز معامله بر موضوعی که منفعت عقلانی ندارد، همگی باطل است. از این‌رو، هر نوع تصرف در اموال دیگران بر وجهی که از دیدگاه عرفا و عقلا یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل باشد، حرام و

ممنوع است، درحالی که تصرف در اموال دیگران بر وجه تجارت از روی تراضی، صحیح و حلال است (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

این در حالی است که نظام بانکی به عنوان یک کل، از طریق صدور وعده‌های بازپرداختی بیشتر از ذخایر نقدی به خلق پول اقدام می‌کند. بدین‌رو، بانک‌ها واقعا چیزی را می‌فروشند که مالک آن نیستند. پس خلق پول توسط نظام بانکی به معنای «اکل مال به باطل» است.

ب. نقض اهداف نظام مالی اسلامی

خلق پول باعث نقض اهداف نظام مالی اسلامی به شرح ذیل می‌شود:

۱. **بی‌ثباتی اقتصادی:** خلق پول موجب بی‌ثبات اقتصادی می‌شود. بی‌ثباتی ناشی از خلق پول در دو بخش مجزا قابل ارزیابی است:

اول. بی‌ثباتی ذاتی نظام بانکی: بانک در صورت درخواست همزمان سپرده‌گذاران در بازپس‌گیری سپرده، و نیز به علل اقتصاد کلانی در وضعیتی قرار می‌گیرد که قادر به پاسخ‌گویی سپرده‌گذارانش نخواهد بود. در این صورت، ورشکستگی بانک‌ها امری حتمی خواهد بود. از سوی دیگر، چنانچه بانک‌ها به خاطر کسب سود یا حمایت دولت (که در مواقع بحران صورت می‌گیرد) ذخایر کمتری نگه دارند، نظام مالی ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بحران‌های بانکی از یک بانک به کل نظام بانکی و نظام مالی سرایت کند و تمام این عوامل امکانی را فراهم می‌آورد که در مجموع، نظام بانکی در وضعیت مستعد فروپاشی قرار گیرد.

دوم. چرخه‌های رکود و رونق: هنگامی که رکود اقتصادی، اقتصاد را در معرض تهدید قرار می‌دهد مشتریان بانک می‌کوشند بدهی‌های خود را بازپرداخت نکنند و یا دست‌کم - وام‌های خود را کم کنند و می‌کوشند مصرف خود از وام‌های موجود را به تعویق بیندازند که این به کاهش عرضه پول منجر می‌شود و یا حداقل سرعت رشد آنها (عرضه پول) را کم می‌کند و از این‌رو، سطح قیمت‌ها کاهش می‌یابد و به صورت مارپیچ روبه پایین می‌رود و گاهی شدت حرکت مارپیچ روبه پایین منجر به رکود شدید می‌شود. خلق پول جدید منجر به سقوط شدید در اشتغال، فروش، سود، سرمایه‌گذاری و ارزش‌داری (مانند خانه) می‌شود.

هنگامی که این وضعیت به رونق اقتصادی تبدیل شود، این روبه برمی‌گردد و افراد مشتاق به قرض گرفتن برای سرمایه‌گذاری می‌شوند. از این‌رو، با قرض گرفتن، عرضه پول در گردش و به تبع آن، ارزش‌داری‌ها زیاد و به مارپیچ روبه بالا منجر می‌شود و گاهی شدت این امر

موجب رونق فراری می‌شود. رونق بیش از حد اقتصاد منجر به افزایش نرخ بهره می‌شود و به تبع آن، وام‌گیری (سپرده‌گذاران) کاهش می‌یابد و از این‌رو، از افزایش مقدار قابل توجه پول در جریان جلوگیری می‌شود.

در این شرایط، بانک‌های تجاری به طور طبیعی، به سود بالایی می‌رسند. آنها ضد چرخه رفتار می‌کنند، نه مطابق چرخه: افزایش اعتبار در طول دوره رونق و کاهش آن در طول دوره رکود.

در نتیجه خلق پول توسط بانک‌ها، کمک زیادی به چرخه‌های کسب و کار می‌شود و قله‌های رونق و فرورفتگی‌های رکود را تقویت می‌کند و موجب بازگشت بیش از حد بهینه پول می‌شود و به گونه‌ای نظام‌مند به بی‌ثباتی قیمت‌ها و نرخ ویژه بهره منجر می‌شود (هووبر و رابرتسون، ۲۰۱۴، ص ۳۴). بی‌ثباتی اقتصادی با اهداف نظام مالی اسلامی ناسازگار است و از این‌رو، خلق پول توسط نظام بانکی در نظام مالی اسلامی پذیرفته نمی‌شود.

آثار خلق پول توسط نظام بانکی، مانند بی‌ثباتی در قیمت‌ها، تخریب محیط‌زیست، استثمار کارگر، مخاطره اخلاقی، سرمایه‌گذاری بی‌فایده، و حباب‌داری منجر به جلوگیری از تحقق اهداف نظام مالی اسلامی، مانند «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «تثبیت قیمت‌ها» شده است. از این‌رو، در ادامه، آثار خلق پول توسط نظام بانکی بر اهداف نظام مالی اسلامی تشریح می‌شود:

۲. **فقدان عدالت اجتماعی:** طبق تفسیر اسلام، عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی، قائم به دو عنصر کفاف عمومی و تعدیل ثروت است (هادوی تهرانی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳-۱۰۴). برخی تعالیم صریح دال بر عدم تمرکز ثروت حاکی از آن است که اسلام وضعیتی را که در آن شکاف در برخورداری از ثروت و درآمد شدت یابد نامطلوب پنداشته و سازوکارهای پایدارکننده یا تشدیدکننده تمرکز در برخورداری‌ها را بر نمی‌تابد. این در حالی است که:

۱. در ساختار پولی کنونی، پول‌های خلق شده به نفع اقتصادهای قوی و تبعیض علیه شرکت‌های کوچک و افراد فقیر، با اولویت وام‌گیرندگان بزرگ‌تر داده می‌شود؛ زیرا بانک‌ها به طور طبیعی، در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت وام و درجه اعتبار وام‌گیرنده، که تابعی از دارایی و ثروت است، توجه دارند. این موضوع شرایطی را ایجاد می‌کند که در آن، ثروتمندان ثروتمندتر و فقرا فقیرتر می‌شوند.

۲. خلق پول توسط بانک‌های تجاری منجر به تنزل ارزش منابع پولی مردم از طریق تورم می‌شود. بنابراین، خلق پول بیش از همه، به نفع اولین دریافت‌کنندگان آن است. اولین کسی که

از پول نفع می‌برد تولیدکننده آن و در مرحله بعد عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به وسیله آن هستند. اما به تدریج، با ظاهر شدن آثار تورمی از قدرت خرید پول کم می‌شود. افرادی که در انتهای زنجیره قرار دارند و به‌ویژه آنهایی که این پول به آنها نمی‌رسد بازندگان هستند؛ زیرا درحالی که باید قیمت زیادتری بپردازند، اما درآمد اسمی آنها اصلاً افزایش نمی‌یابد.

۳. در ساختار پولی کنونی، بانک‌ها از طریق سپرده‌های مشتق شده، خلق پول را زیاد می‌کنند و بر روی آنها نرخ بهره را به دست می‌آورند. این نشان‌دهنده توزیع مجدد غیرقابل توجیه از عموم به سهام‌داران بانک است. چنین ساختاری منجر به درآمد بالای گروه سهام‌داران بانک می‌شود (الجرحی، ۱۹۸۳، ص ۲۶). از این رو سازوکار کنونی خلق پول منجر به تمرکز ثروت واقعی نزد تعداد معدودی از افراد می‌شود، و خلاف دستور قرآن است که می‌فرماید: «نباید مداری در بین ثروتمندان در بین شما تشکیل شود» (حشر: ۷). از این رو، بحث از «عدالت» در نظام اسلامی، با وجود سازوکار کنونی، خلق پول توسط نظام بانکی معنا ندارد.^۲

۳. کاهش رشد اقتصادی: به یقین، می‌توان اظهار داشت که هیچ نظام اقتصادی در طول تاریخ سامان نیافته، مگر آنکه رشد اقتصادی و آبادانی تمام بخش‌های آن برای تولیدات بیشتر، از اهداف آن بوده است. به همین سبب، هر نظامی برای دستیابی به رشد موردنظرش، کوشش‌های فراوانی می‌کند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۸).

با وجود این، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی در جهت ممانعت از رشد اقتصادی عمل می‌کند؛ زیرا بانک‌ها برای به دست آوردن سود بیشتر، در فعالیت‌های پرریسک و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. در نتیجه، وام‌دهی و ایجاد پول‌های جدید به جای اینکه در سرمایه‌گذاری پایدار باشد، به سمت املاک و سفته‌بازی هدایت می‌شود که عواقب زیان‌باری برای جامعه دارد. خلق پول همراه بهره است و معمولاً بهره هزینه طرح سرمایه‌بر را بیشتر می‌کند و در نتیجه، از رشد اقتصادی ممانعت می‌کند. همچنین خلق پول توسط نظام بانکی همراه با تخریب بی‌رویه محیط‌زیست است که نتیجه بهره‌برداری بیش از حد منابع برای پرداخت بهره‌های خلق پول توسط نظام بانکی است و این مانع رشد پایدار است. بی‌تردید، ساختار نظام اقتصادی اسلامی، به‌ویژه ساختار مالی در این نظام، به‌گونه‌ای سامان یابد که موجب همسویی رشد و عدالت گردد. از این رو، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که در پی بدتر کردن وضع افراد فقیر و متوسط جامعه عمل می‌کند، باید به نظامی تبدیل شود که توانایی این عمل از وی ساقط است.

۴. بی‌ثباتی در قیمت‌ها: به‌طور کلی، می‌توان به ثبات قیمت‌ها (کنترل تورم) به عنوان یکی از هدف‌های سیاست کلان اقتصادی نظام مالی اسلامی اشاره کرد. در حال حاضر، بانک مرکزی با مراقبت‌های خود، سعی در کنترل تورم دارد. به همین روی، آنها تصمیم می‌گیرند که چه مقدار پول منتشر کنند و به گردش درآورند و این اطمینان‌برایشان حاصل شود که نه بیش از حد باشد و نه خیلی کم، درحالی که با خلق پول توسط نظام بانکی، حجم پول بیش از پایه پولی زیاد می‌شود. به همین سبب، توان کنترل تورم آسان نخواهد بود (هوهر و رابرتسون، ۲۰۱۴، ص ۳۵). تجربه تاریخی نشان می‌دهد بیشترین نوسان‌های پولی، چه به صورت تورم شدید و یا کاهش ناگهانی در سطح عمومی قیمت‌ها به سبب رکود و کساد، از سده بیستم میلادی به این سو، پیامد بحران‌های بانکی بوده است. رشد فزاینده قیمت‌ها و بحران‌های بانکی نشانگر آشفتگی و نابسامانی نظام پولی استوار شده بر پایه خلق اعتبار بانکی است (مجاهدی مؤخرو دیگران، ۱۳۹۰). خلق پول مسئول تورم و موجب ویرانی جامعه است (انور، ۲۰۰۰، ص ۱۳). عرضه پول توسط بانک‌ها و تورم حاصل از آن به این معناست که ارزش واقعی سپرده کاهش می‌یابد و این به معنای آن است که نمی‌توان دستورهای خدا در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود را اطاعت کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «... و از پیمانانه و ترازو نگاهید... پیمانانه و ترازو را به طور کامل و با عدل و انصاف بسنجید و هنگام سنجیدن و پیمانانه کردن کالاهای مردم، از آنها نگاهید...». بدین‌رو، سازوکار کنونی خلق پول توسط نظام بانکی، که تشدیدکننده تورم است، در نظام مالی اسلامی پذیرفته شده نیست.

نتیجه‌گیری

بیش از ۹۰ درصد نقدینگی در گردش اقتصاد به وسیله بانک‌های تجاری خلق می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خلق پول توسط نظام بانکی نقض ضوابط شرعی و تحقق مشکلاتی همچون «عدم ایفای تعهدات» و «اکل مال به باطل» می‌شود. همچنین خلق پول توسط نظام بانکی مانع تحقق اهداف نظام مالی اسلامی مانند «ثبات اقتصادی»، «عدالت اجتماعی»، «رشد اقتصادی» و «تثبیت قیمت‌ها» می‌شود. با در نظر گرفتن مشکلات خلق پول برای رعایت ضوابط شرعی و تحقق مقاصد شریعت امکان خلق پول توسط نظام بانکی به شکل کنونی در نظام مالی اسلامی وجود ندارد.

۱. در این تحقیق، بر اساس یک پانل بسیار بزرگ از کشورهای طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۰، سؤال بررسی می‌شود که «آیا بیمه سپرده ثبات نظام بانکی را افزایش داده است؟» و در پاسخ بیان می‌دارند که «بیمه سپرده، به صورتی واضح به احتمال افزایش بحران بانکی تمایل دارد».

۲. بحث‌هایی که در این قسمت مطرح می‌شود، شبیه فقدان عدالت اقتصادی به سبب سازوکاری است که در حال حاضر، به خاطر آثار خلق پول توسط نظام بانکی به وجود آمده است. از این رو، در صورتی که بانک مرکزی قدرتمندی وجود داشته باشد که قادر به تخصیص عادلانه خلق پول توسط نظام بانکی باشد و از ایجاد تورم پولی حاصل از آن ممانعت کند و ربا وجود نداشته باشد دیگر بحث از ناعادلانه بودن نظام بانکی به سبب خلق پول بانکی درست به نظر نمی‌رسد. البته بسیاری از محققان مطرح و پیشرو در اقتصاد به وجود آمدن چنین حالتی را غیرممکن دانسته و از این رو ایده «بانکداری محدود» را تنها راه حل دانسته‌اند.

منابع

- ترکمانی، عدنان خالد، ۱۴۰۹ق، *السیاسه النقدیه و المصرفیه فی الاسلام*، عمان، مؤسسه الرساله.
- توتونچیان، ایرج، ۱۳۷۴، «ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، در: *مجموعه مقالات ششمین سمینار بانکداری اسلامی، نظام بانکی و سنجش عملکرد آن*، تهران، مؤسسه عالی بانکداری، بانک مرکزی ج.ا.ا.
- ، ۱۳۷۹، *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری توانگران.
- چاپرا، محمدعمر، ۱۴۰۱ق، *نحو نظام نقدی عادل*، قاهره، معهد العالمی للفکر الاسلامی.
- صدر، محمداقبر، ۱۴۲۹ق، *الاسلام یقود الحیاه، المدرسه الاسلامیه، رسالتنا، قم*، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
- صمصامی، حسین و همکاران، ۱۳۹۳، «هزینه‌های خلق پول در نظام بانکداری متعارف و راهکارهای تأمین مالی اسلامی»، *پژوهش اقتصادی*، ش ۵۵، ص ۷۱-۱۰۳.
- طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام فی شرح المقننه للشیخ المفید رضوان الله علیه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- غریب، ناصر، ۱۴۱۷ق، *الرقابه المصرفیه علی المصارف الاسلامیه. منهج فکری و دراسه میدانیه دولیه مقارنه*، قاهره، معهد العالمی للفکر الاسلامی.
- قحف، منذر، ۱۳۷۶، *مروری بر اقتصاد اسلامی*، ترجمه عباس عرب مازار، تهران، سازمان برنامه بودجه.
- مجاهدی موخر، محمد مهدی و دیگران، ۱۳۹۰، «مدل‌سازی الگوی رفتار بین نسلی از عملکرد بانکداری ذخیره جزئی با تاکید بر رهیافت موریس آله»، *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ش ۵، ص ۴۷-۷۴.
- موسویان، سیدعباس، ۱۳۹۰، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۸۸، *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
- یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- یونس مصری، رفیق، ۱۴۲۱ق، *بحوث فی الاقتصاد الاسلامی*، سوریه، دارالمکتبی.
- Al-Jarhi, Mabid Ali, 1983, *Towards The Foundations Of Islamic Macroeconomics*, IRTI, IDB, Jeddah, Islamic Economic Studies.
- Anwar, M, 2000, "Islamicity of banking and modes of Islamic banking", *Arab LQ*, N. 18, p. 62.
- Demirgüç-Kunt, Aslı, Detragiache, Enrica, 2000, "Monitoring Banking Sector Fragility: A Multivariate Logit Approach", *World Bank Economic Review*, Vol. 14, N. 2, p. 287-307.
- Edwards, Mike , 2013, Why Our Monetary System Is Broken And How The Scottish

- Werner, R.A, 2014, "Can banks individually create money out of nothing?—The theories and the empirical evidence", *International Review of Financial Analysis*, N.36, p.1-19.
- Werner, Richard A, 2005, "New paradigm in macroeconomics, in: *New Paradigm in Macroeconomics: Solving the Riddle of Japanese Macroeconomic Performance Basingstoke*", McVeigh, B. J, Vol. 213, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Werner, Richard, Jackson, ben, Ryan Collins, Josh, 2011, "Towards A Twenty---first Century Banking And Monetary System", *Retrieved Positive Money*, NEF and the University of Southampton Submission to the Independent Commission on Banking, from: <http://www.positivemoney.org.uk/wp-content/uploads/2010/11/NEF-Southampton-Positive-Money-ICB-Submission.pdf> (2011).
- Independence Referendum Creates An Opportunity To Fix It For Scotland, Retrieved september 24, 2016, from: <http://www.cybermanual.com/why-our-monetary-system-is-broken-and-how-the-scottish.html>.
- FISHER, Irving, 1935, *100 Percent Money*, New York, Adelphi Company.
- Fisher, Irving, 1936, "100% Money and the Public Debt", *Economic Forum*, April-June, p. 406 - 420.
- Friedman, Milton ,1959, *A Program for Monetary Stability*, New York, Fordham University Press.
- Friedman, Milton ,1969, *The Optimum Quantity of Money, in The Optimum Quantity of Money and other Essays*, New York,Aldine de Gruyter.
- Hasan, Zubair, 2008, "Credit creation and control: An unresolved issue in Islamic banking", *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, Vol. 1, N. 1, p. 69 – 81.
- Hasan, Zubair, 2011, "Money creation and control from Islamic perspective", *Journal of Islamic Business and Management*, Vol .1, N. 1, p. 49-68.
- Huber, Joseph, Robertson, James, 2014, *CREATING NEW MONEY A monetary reform for the information age*, London, New Economics Foundation.
- Jackson, A. and B. Dyson, 2012, *Modernizing Money: Why our Monetary System is Broken and How it can be Fixed*, London, Positive Money.
- Khan, Mohsin, 1987, "Islamic Interest-Free Banking: A Theoretical Analysis", in *Theoretical Studies in Islamic Banking and Finance*, Mohsin S. Khan and Abbas Mirakhor,Houston, Texas: Institute for Research in Islamic Studies.
- Korten, David, 2010, *Agenda For A New Economy: from phantom wealt to real wealt?*, New York ,Berrett-Koehler.
- Meera, A.K.M, 2002, *The Islamic Gold Dinar*, Subang Jaya ,Pelanduk Publications.
- Rav, Ib, 2015, "Explaining money creation by commercial banks: Five analogies for public education", *Real-world economics review*, N. 71, p. 92.
- Ronnie J. Phillips, 1994, *The Chicago Plan and New Deal Banking Reform*, New York, M.E. Sharping.
- Ryan-Collins, Josh, Greenham, Tony, Werner, Richard & Jackson, Andrew, 2011, *Where does money come from? A guide to the UK monetary and banking system*, London, New Economics Foundation.
- Sani. M.D, Arfah ,Ahamed Kameel Meera, A. Aziuddin, 2012, *Fractional Reserve Banking and Maqasid al-shariah, An incompatible Practice*, May 31, Available at: SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2071164> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2071164> .
- Shakespeare, Rodney, 2007, "Non-Interest Resource Mobilization for Public Capital Projects: The Use of Islamic Endogenous Loans", *Islamic EconomicsAnd Finance*, p.251-261.
- Shy, Oz & Rune Stenbacka, 2000, *A Bundling Argument for Narrow Banking*, Swedish University of Haifa and Bank of Finland.
- Siddiqi, M. Nejatullah, 1992, "Impact of Islamic Modes of Finance on Monetary Expansion", *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, Vol. 4, N. 1, p. 37-46.
- Spong, Kenneth, 1993, "Narrow Banks: An Alternative Approach to Banking Reform", *the jermoe levy economics in istitute Working Paper*, N. 90.
- Van Dixhoorn, C, 2013, "Full Reserve Banking. An Analysis of Four Monetary Reform Plans", *Sustainable Finance Lab*, Utrecht.